

Responsibility of individuals for the transmission of infectious diseases

Abstract

The spread of infectious diseases is a threat to the health and safety of individuals in society. Therefore, controlling patients' behavior, limiting them and preventing the spread of the disease are considered as the most important issues in the field of medical jurisprudence. In order to control and prevent infectious diseases, it is necessary to pay attention to the civil and criminal responsibility of the transmitter. This research was looking for the main question: what is the jurisprudential-legal responsibility of transmitting a contagious disease? The findings of the research, which are written in a descriptive-analytical manner, indicate that the transmitter of the disease has civil and criminal responsibilities with conditions. Imami jurists have commented on the responsibility of someone who infects another with a contagious disease based on the principles of impermissibility, abuse or deviance, and attribution, and in spite of each of them, they have made the transmitter responsible for compensation. Regarding the responsibility of the government, it should be said: the government can, by resorting to its authority and powers, prevent the spread of infectious diseases to a large extent, and in case of negligence in performing its duties and responsibilities, should be responsible for compensating the victims. Hence the accepted responsibility is pure responsibility.

Keywords: Infectious Disease, Civil Liability, Criminal Liability, Natural Persons, Legal Entities.

مسئولیت‌های فقهی و حقوقی انتقال بیماری‌های مسری

سید مجتبی سجادی^۱محمد حسن شیبانی فر^۲علیرضا پورباقرانی^۳قاسم جعفری^۴حیدر امیرپور^۵

تاریخ دریافت: 1401/4/10

تاریخ پذیرش: 1401/6/7

چکیده

شیوع بیماری‌های مسری، تهدیدی علیه امنیت سلامت اشخاص در جامعه است. از اینرو کنترل رفتار بیماران، محدودسازی آنها و جلوگیری از انتشار بیماری از مهمترین مسائل در حوزه فقه پزشکی شمرده می‌شود. در راستای کنترل و پیشگیری از بیماری‌های مسری توجه به مسئولیت مدنی و کیفری شخص منتقل کننده امری ضروری است. این پژوهش در جستجوی این سوال اصلی بود که مسئولیت فقهی-حقوقی منتقل کننده بیماری مسری چیست؟ یافته‌های تحقیق که به شیوه توصیفی-تحلیلی نگارش یافته بیانگر آن است که منتقل کننده بیماری مسئولیت مدنی و کیفری را با شرایطی داراست. فقهای امامیه بر اساس مبانی فقهی و حقوقی، درباره مسئولیت کسی که دیگری را به بیماری مسری آلوده می‌کند اظهار نظر کرده‌اند و با وجود هر یک از آنها منتقل کننده را مسئول جبران دانسه‌اند. در باب مسئولیت دولت نیز باید گفت: دولتها با توجه به اقتدار حاکمیتی که برای خود قائل هستند این امکان را دارند که با انجام تدابیری از همه گیری بیماری‌هایی که بصورت سریع سرایت میکند جلوگیری کرده و در صورتیکه در انجام این وظیفه‌ی خود دچار کوتاهی شوند، ملزم به جبران خسارات کلیه‌ی زیاندیدگان خواهند بود. از اینرو مسئولیت مورد پذیرش مسئولیت محض است.

کلمات کلیدی: بیماری مسری، مسئولیت مدنی، اپیدمی، کووید 19، ایران.

^۱ دانشجوی دکترا، گروه فقه و حقوق، دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب، تهران ایران

^۲ استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب، تهران، ایران

^۳ استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب، تهران، ایران

^۴ استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب، تهران، ایران

^۵ دانشیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب، تهران، ایران

اپیدمی بیماری های مختلف و گسترش آنها در سالهای اخیر بر تغییر رفتار و کنش های انسان تاثیر بسزایی داشته و آثار متعدد اقتصادی سیاسی بر جای گذاشته است. از جمله بیماری های مسری در سالهای اخیر می توان به آنفلوآنزای مرغی، آنفلوآنزای خوکی و ایدز اشاره کرد. لکن همه گیری کووید-19 پدیده ای است که آثار جانی و مالی و ابعاد و پیامدهای آن- به غیر از جنگ جهانی دوم- پیشینه ای با این وسعت نداشته است. ابعاد همه گیری این بیماری به کشتار هزاران انسان و زمین گیر شدن جمع کثیری از انسانها انجامیده است افزون بر آن موجب بیکاری ده ها میلیونی و تعطیلی بازارها و میلیون ها شغل و کسب و تجارت ختم شده است که ارزیابی آثار آن به گذشت زمان نیاز دارد.

همه گیری بیماری های مسری از ابعاد مختلفی قابل ارزیابی است. آنچه در پژوهش پیش رو مدنظر بوده مسئولیت فقهی و حقوقی اشخاص در صورت انتقال بیماری به دیگری است. آنچه در ابتدای امر لازم به بررسی و دقیق است تبیین اصل مسئولیت اشخاص در برابر آسیبهای وارده ناشی از انتقال بیماری است. بررسی اصل مسئولیت اشخاص از این باب است که مبانی فقهی انتقال بیماری های مسری منطبق بر یکی از مبانی خواهد بود.

از این رو فقهای امامیه بر اساس مبانی ذیل درباره مسئولیت کسی که دیگری را به بیماری (مانند کرونا) آلوده می کند اظهار نظر کرده اند.

پیرامون مبانی فقهی مسئولیت اشخاص در برابر انتقال بیماری می توان از قواعد متعدد و متنوعی بهره گرفت. آنچه در اینجا مورد تاکید است نحوه مسئولیت اشخاص بر طبق قواعد مذکور است.

از آنجا که مسئولیت اشخاص در برابر بیماری مسری شامل مسئولیت اشخاص حقوقی (دولت، حکومت) نیز می شود به این مساله نیز اشاره خواهیم داشت. در این راستا سعی بر این است تا از مبانی سنتی مسئولیت مدنی دولت فاصله گرفته و مبنایی را برگزینیم که به واسطه آن جبران خسارت ناشی از بیماری مسری به سهولت امکان پذیر باشد.

2- مفاهیم

2-1- بیماری مسری

بیماری امری در برابر سلامتی و تندرستی قلمداد می شود. (جمعی از پژوهشگران، 1426، ج 2، ص 209) در پزشکی بر اساس معیارهای مختلف، بیماری ها تقسیم بندی شده و برای سهولت تحقیق و ارزیابی، بر اساس فاکتورهایی چون: شدت، تأثیر، مسری بودن، منشأ، منبع و ... بیماریها دسته بندی می شوند. یکی از انواع تقسیم بندی ها دسته بندی بیماری بر اساس امکان سرایت و انتقال آن از شخص مبتلا به اشخاص سالم است و بر این اساس دو نوع بیماری مسری و غیرمسری وجود دارد.

امراض مسری نوعی از امراض هستند که امکان انتقال عامل بیماری از شخص مبتلا به فرد سالم وجود دارد و در صورت وجود زمینه های انتقال، فرد یا افراد سالم نیز به بیماری مبتلا می شوند. هر کدام از این بیماریها در مقاطع مختلف تاریخی در کشور ایران شایع شده است (میرصالحیان، دالوند، 1397، ص 237)

3- مبانی اصل مسئولیت اشخاص

بررسی اصل مسئولیت اشخاص از این باب است که قواعد فقهی انتقال بیماری های مسری منطبق بر یک یا چند مورد از مبانی خواهد بود. بر اساس فقه امامیه، اصل مسئولیت افراد در آسیبهای وارده به سایرین از سه مبنا سرچشمه می گیرد:

3-1- عدم جواز عمل

هر گاه منشاء عمل زیانبار، عمل غیرمجاز و نامشروعی باشد ضمان مطلقاً ثابت است زیرا در این صورت عرف صدمه را به عامل غیرمجاز مستند می داند مگر آنکه حادثه به عامل قویتری منتسب گردد. (علیدوست، بای؛ 1391، ص56) مستند فقها در این نظریه روایات است.

3-2- تعدی یا تفریط

آیت الله خوئی بدین مطلب تصریح کرده و می گوید: «و الضمان إنما یدور وجوداً و عدماً مدار التفریط و عدمه.» (خویی، 1422، ج 2، ص312) ضمان و عدم وجود ضمان دائرمدار افراط و تفریط و عدم آن است.

3-3- انتساب

مبنای سوم انتساب است. به این صورت که هر گاه صدمه و تلف به شخصی منتسب باشد ضمان ثابت خواهد بود و هر گاه انتساب وجود نداشته باشد ضمان منتفی است. در نگاه فقیهان احراز استناد و انتساب عمل به فاعل آن امری ضروری در تحقق ضمان به شمار می رود (نجفی، 1404، ج 42، ص 18) برخی فقها از جمله شهید ثانی در الروضه البهیة (عاملی، 1410، ج 10، ص 159)¹، مرحوم نجفی در جواهرالکلام (نجفی، 1404، ج 43، ص 122)²، مرحوم رشتی در کتاب الغصب (رشتی، بی تا، ص 35)³، سبزواری در مهذب الاحکام (سبزواری، 1413، ج 29، ص 139)⁴، کاشانی در کتاب الدیات (کاشانی، 1408، ص 103)⁵.

¹ «و یجب حفظ البعیر المغتلم أى الهائج لشهوة الضراب، و الكلب العقور و شبههما علی مالکة فیضمن ما یجنيه بدونه إذا علم بحاله و أهمل حفظه، و لو جهل حاله، أو علم و لم یفرط فلا ضمان. و فی إلحاق الهرة الضاریة بهما قولان من استناد التلف إلى تفریطه فی حفظهما، و عدم جریان العادة بربطها. و الأجود الأول»

² «إنما الكلام فیما یفهم من المصنف و غیره من عدم الضمان مع عدم الزیادة علی قدر الحاجة و إن غلب علی ظنه التعدی بناء علی إرادة العلم منه بل و مطلق الرجحان بل و مع الشک لصدق الإتلاف علیه و لو بتولید فعله و إن لم ینصدق علیه «أتلف» فإنه فرق بین نسبة الفعل و بین نسبة الإتلاف، نعم لعله كذلك مع عدم ظن التعدی و إن زاد علی حاجته للأصل بعد الإذن شرعاً فی فعل المالك فی ملكه ما شاء فی الحال المزبور كما سمعته فی الحفر و وضع الحجر و البناء و نحوها، مع أنه قد یتوقف فیها مما عرفت و من النسبة المزبورة التي مقتضاها الضمان مطلقاً إلا أن النص و الفتوی علی عدمه بما جرى منها مجردی أفعال العقلاء فی العادة و إن اتفق تخلف ذلك و حصل التلف به علی نحو التلف بباقی الشرائط، بخلاف الإتلاف بها علی جهة التولید بحيث ینسد التلف إلى فعله عادة، نعم لیس الزیادة علی قدر الحاجة مطلقاً كذلك. و لعل الأقوی الثانی مع فرض تحقق النسبة عرفاً كما أن الأقوی الأول مع عدمه.»

³ «ان السبب و ان كان ضعيفاً فی التأثير فی الاتلاف الموجب للضمان بالنسبة الی المباشرة الا ان الشارح جعله مع ضعفه و مدخلية الناقصة تمام المؤثر فی التضمن فيكون صورة اجتماعهما كتعاقب الايادی فی اقتضاء التخبير او كاتلاف المغصوب فی كون كل من الاتلاف و اليد العادية مضمناً مستقلاً»

⁴ «لو أوجب نارا لرفع حاجته و ألقى آخر مالا أو شخصاً فی النار لم یضمن مؤججها (لأصل، بعد عدم تحقق التسبب منه.)، بل الضمان علی الملقى (لاستناد التلف حينئذ إلى السبب القريب دون البعيد، فيقدم المباشر - علی

سیدحسن موسوی بجنوردی در القواعد الفقهیه. (بجنوردی، 1419، ج 2، ص 38)^۲، امام خمینی در تحریرالوسیله (خمینی، بی تا، ج 2، ص 561)^۳، به این مسأله اشاره کرده اند و ضمان را در صورتی که انتساب وجود داشته باشد ثابت دانسته اند. مستند این قول روایات فراوانی است که در این باره وارد شده. ک

4- مبانی فقهی مسئولیت اشخاص در برابر انتقال بیماری مسری

پیرامون مبانی فقهی مسئولیت اشخاص در برابر انتقال بیماری مسری می توان از قواعد متعدد و متنوعی بهره گرفت. که عبارتند از:

4-1- قاعده محافظت از خود

حفظ سلامت خود و مراقبت از سلامت دیگران در برابر بیماریهایی که خطر جانی و یا ضرر شدیدی داشته باشد، واجب شرعی است. دلیل عمده این مسئله قاعده «وجوب حفظ نفس» است. (کعبی، موجود در سایت: <https://iqna.ir/fa/news/3884304>) در مورد بیماری های مسری نیز ممکن است -با لحاظ شیوع در منطقه- در معرض ضرر باشد.

4-2- قاعده وظیفه محافظت از جان دیگری

در مسأله بیماری مسری نیز حضور فرد بیمار در اجتماعات یا حتی حضور بیمار در کنار اعضای خانواده موجب به خطر افتادن جان دیگران شده از این رو طبق این قاعده لازم است تا زمان بهبودی خود را از دیگران دور نگه دارد تا بدین وسیله از به خطر افتادن جان دیگران جلوگیری شود (نجفی، 1404، ج 36، ص 433).

4-3- قاعده حرمت همکاری بر پلیدی و تعدی

قاعده حرمت همکاری با پلیدی و تعدی: این قاعده با توجه به محتوا و ساختار مضمونی آن، قابلیت تطبیق بر موضوعی همچون بیماری مسری و نقش افراد در این انتشار را دارد. بر اساس این قاعده، کسانی که با رفتارهای نسنجیده و خارج از چارچوب اصول بهداشتی (همچون حضور در اجتماعات)، روند اجتماعی

السبب- و هو الملقى فی المقام، و لو وقعت الجنایة بفعله التولیدی یكون ضامنا للأموال (لصحة انتساب الإلتاف إليه، كما فی كل سبب تولیدی، مثل إذا سرت النار إلى محل فیة الأموال.)، و كذا الأنفس إن لم یكن عمد فی البین أو لم یكن الفرار منها و إلا ففیه القصاص (لتحقق موضوع القصاص فی كل منهما، و أما لو لم یكن كذلك یكون من شبه العمد، و تكون الدیة من ماله، كما تقدم، و مع الخطأ المحض فعلى العاقلة، فتجری الأقسام الثلاثة فی المقام، و یحمل على العمد- أو على ما إذا لم یكن الشخص قادرا على الفرار- ما عن على علیه السلام فی معتبرة السكونی: «انه قضی فی رجل أقبل بنار فأشعلها فی دار قوم فاحترقت و احترق متاعهم، قال: یغرم قيمة الدار و ما فیها، ثم یقتل.»

¹ «أن یبنی من أساس غیر ثابت و لو فی ملكه فانهدم، فإن تلف به الغير فی ملكه فلا ضمان علیه لأنه ورد بغير إذن، و أما إن تلف به من فی الطريق أو فی غیر ملكه بسبب سقوط مسالحة من الأجر أو الحديد أو الخشب أو غیرها فالظاهر ضمانه أيضا كما ذهب إليه العلّامة فی القواعد»

² «أن كون التسیب موجبا للضمان مستفاد من تلك الروایات التي ذكرنا، فلا بدّ من الحكم بالضمان فی صدق ما أخذ موضوعا للضمان فی تلك الروایات، من دون أن ینجرّ إلى القیاس

³ «الظاهر براءة الطیب و نحوه من البیطار و الختّان بالإبراء قبل العلاج، و الظاهر اعتبار إبراء المریض إذا كان بالغاً عاقلاً فیما لا ینتهی إلى القتل، و الولی فیما ینتهی إليه، و صاحب المال فی البیطار، و الولی فی القاصر، و لا یبعد كفاية إبراء المریض الكامل العقل حتی فیما ینتهی إلى القتل، و الأحوط الاستبراء منهما»

گسترش بیماری مسری را شکل یا عمق می‌بخشند، چنانچه آگاه از کار خود باشند، رفتارشان مصداق تعاون بر "اتم" و "عدوان" به حساب می‌آید.

4-4- قاعده منع اضرار به دیگری

در مورد بیماری های مسری نیز شخص بیمار نمی تواند به تصور آزادی رفت و آمد و در حالی که می داند بیمار است در اجتماعات حضور یابد و به واسطه سرایت بیماری موجبات ضرر جسمی یا حتی روحی دیگران را فراهم آورد. زیرا طبق این قاعده ضرر رساندن به دیگران ممنوع است (یزدانیان، ثقفی، 1393، ص 38).

4-5- قاعده دفع ضرر محتمل

مقتضای دفع در قاعده مزبور آن است که از اصل سرایت و انتقال بیماری مسری ممانعت به عمل آید و مدلول اصلی این قاعده مسدودکردن راههای انتقال و پیشگیری از سرایت است؛ بر این اساس، هر رفتاری که محتمل در سرایت بیماری است به مقتضای قاعده باید مدفوع تلقی شود. از آنجا که در دانش حقوق، تولید قاعده الزام آور در قالب امر و نهی صورت می گیرد، مدفوع داشتن یک رفتار در این دانش در قامت منع آن رفتار درمی آید. در ادبیات اصولی نیز هر رفتاری که احتمال مفسده و ضرر از آن برخیزد، عقل به جهت وجوب دفع ضرر محتمل حکم به وجوب ترک رفتار می دهد وجوب ترک رفتار نیز عبارت دیگری از نهی رفتار است و نهی نیز اقتضا و ظهور در ممنوعیت رفتار دارد. (احسانی فر، 1399، ص 149)

5- مسئولیت کیفری اشخاص در برابر انتقال بیماری مسری

به طور کلی، بیماری حاصله از انتقال عوامل واگیردار، ممکن است کشنده یا غیر کشنده باشد که از تأثیر سبب یا علت نوعاً یا نسبتاً کشنده و یا سبب یا علت غیر کشنده، به وجود می آید که با توجه به این شقوق، طیفی از جرائم در این قلمرو ارتکاب خواهند یافت.

در پرونده های مربوط به انتقال بیماریهای واگیردار، تمامی رفتارهایی که می تواند منجر به مرگ فرد مبتلا و محکومیت مبتلاکننده شود مسئولیت کیفری میباشد، اما عامل تعیین کننده نوع قتل عنصر روانی مرتکب می باشد. در واقع آنچه که از اهمیت برخوردار است بررسی عنصر روانی این اعمال بوده که مبین نوع قتل و در نتیجه تعیین کننده نوع واکنش قانونگذار در برابر انتقال دهنده این بیماریها خواهد بود.

6- مسئولیت دولت در برابر خسارات ناشی از بیماری مسری

دولت متولی اصلی سلامت جامعه است و به عنوان حکمران، مسئولیت تمامی ملت بر عهده دولت است و می بایست در زمان شیوع بیماریهایی مانند بیماری کرونا، آنفلوآنزا، و... کلیه هزینههای مرتبط با آن را پذیرفته و پرداخت نماید و نسبت به شیوع آن پیشگیری کند. زیرا دولت متولی تأمین امنیت و سلامت عمومی شهروندان یا دست کم تأمین زیرساختهای لازم برای آن و سیاستگذاری، هدایت و نظارت در این حوزهها است، هیچ دلیل روشنی به منظور محدود کردن دولت به یکی از جنبه‌های امنیت یا سلامت وجود نداشته و به همان میزان که دولت متولی تأمین سلامت جسمی شهروندان است، نسبت به سلامت روانی، اعتقادی و اخلاقی ایشان نیز مسئول است هرچند در هیچ یک از این حوزهها، مسئولیت دولت به معنای سلب اختیار شهروند یا عدم امکان خدشه به سلامت نفس از سوی شهروند نخواهد بود.

از این رو هر نوع مسئولیت کارگران بخش خصوصی، بازاریان، اصناف، تولیدکنندگان و... در زمان بروز همه گیری کرونا بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر عهده دولت است و می‌بایست هزینه‌های آن از

محل درآمدهای عمومی که در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز است، به عموم مردم از جمله کارگران، بازاریان، کارخانجات تولیدی و سایر نهادهایی که به واسطه بیماری مسری مشمول خسارت شده اند پرداخت شود لذا دولت کلیه هزینه‌های دوران بحران و هزینه پیشگیری و بهداشتی مربوط به بیماری را به کارفرمایان پرداخت کند و کارفرمایان آن را در اختیار کارگران قرار می دهند یا تجهیزات را در کارگاه فراهم می کنند.

با عنایت به مطالب مطرح شده، مسئولیت محض، نه مستلزم اثبات تقصیر در عمل است نه در عامل. به عبارت دیگر، نه تنها لازم نیست عمل، لزوماً تخطی از معیار رفتار انسان متعارف باشد، بلکه وجود عیب در خصلت، منش یا انگیزه عامل نیز شرط نیست. در موضوع پژوهش از اهداف اصلی جبران خسارت، توزیع ضرر ناشی از بیماری مسری است. همان گونه که مزایا و منافع باید عادلانه تقسیم شود، همبستگی اجتماعی اقتضا می کند که خسارات ناشی از زندگی اجتماعی نیز میان بهره مندان از حادثه یا کالای خطرناک توزیع گردد چنین هدفی با مسئولیت محض دولت ممکن می شود.

آنچه موید این دیدگاه است، مصادیقی از قبول مسئولیت محض در نظام حقوق بین الملل می باشد. رویه قضایی و دولتی نیز به سود این مسئولیت دیده می شود. قضیه داوری تریل اسملتر به آلودگی یک کارخانه ریخته‌گری در شهر تریل مربوط می شد که باعث ایراد خسارتی به کشاورزانی در آمریکا شده بود. با توافق دو دولت، موضوع نزد داوری مطرح و از جمله این سوال پرسیده شد که آیا کانادا متعهد به ممانعت از وقوع خسارات در آینده است؟ داوری درباره این سوال صراحتاً اعلام کرد: اگر هرگونه خسارتی... چه به واسطه تقصیر کارخانه چه با وجود رعایت رژیم پیشگیری در آینده پدید آید، غرامت باید بابت چنین خساراتی پرداخت شود. به این ترتیب، داوری، مسئولیت کانادا را مسئولیتی محض تلقی کرده بود. دیوان دعاوی اتمی جزایر مارشال میان آمریکا و جزایر مارشال نیز بدون آن که به احراز تخلف یا قصور آمریکا در انجام آزمایش‌های اتمی‌اش ورود کند، این کشور را به پرداخت مبلغی بابت خسارات وارده به سرزمین‌های متعلق به جزایر مارشال محکوم کرده است. همچنین پس از سقوط ماهواره کاسموس 954 شوروی در خاک کانادا، این کشور در تلاش برای دریافت غرامت از شوروی اعلام کرد که دولت‌ها در مورد فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک، مسئولیت محض دارند. پس از انفجار نیروگاه اتمی چرنوبیل شوروی سابق در سال 1986 آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قالب کارگروهی از دولت‌ها خواست که روش حقوقی مناسب جبران خسارات ناشی از رویدادهای اتمی را که نوعاً فعالیت فوق‌العاده خطرناک به شمار می آید، پیشنهاد دهند. پاسخ برخی از دولت‌ها از جمله خود شوروی مبنی برقراری نظامی از مسئولیت محض برای دولت‌ها است. دست آخر آن که در حوزه حقوق کنوانسیون‌های نیز کنوانسیون مسئولیت بابت خسارات ناشی از اجرام آسمانی و معاهده اصول حاکم بر اکتشاف و بهره برداری از فضا نیز گویای مسئولیت محض دولت‌ها در زمینه فعالیت‌هایی است که در فضای جو انجام می شود. بنابراین، مفهوم مسئولیت محض، مفهومی غریبه در حقوق بین‌الملل نیست.

شاین ذکر است در باب تکلیف دولت، قانون اساسی در مقدمه، اقتصاد را وسیله، نه هدف دانسته و همانطور که در بند 6 از اصل دوم و غالب بندهای ذیل اصل سوم مذکور افتاده، کرامت انسانی اولی و بر آن تأکید شده است. ملاحظه ارزش و کرامت نوع بشر نیز بر اساس آموزه‌های دینی اسلام و حتی سایر ادیان ابراهیمی مکتوم و پوشیده نیست. اهمیت و ارجحیت سلامت و کرامت آدمی با مذاقه در این اصول به خوبی معلوم و به همین دلیل وقتی تعارضی بین این دو حق ایجاد می شود، حق سلامت ارجحیت بر حق فعالیت اقتصادی دارد این حقیقت با رجوع به مقدمه قانون اساسی که اقتصاد را وسیله می داند نه هدف، برجسته می شود. اسقاط حق در قواعد حقوقی در صورت تعارض نیز امری بعید و ناشناخته نیست. در تعارض حق فعالیت و حق حیات و سلامت، تردیدی نیست که حیات و سلامت ارجحیت دارد و این استنتاج با رجوع به اصول موصوف

و مبانی شریعت مستند و مستدل است. در نتیجه در شرایطی که با بیماری مسری روبرو هستیم -مخصوصاً در شرایط فعلی که با یک خطر جدی، پاندمیک مواجه هستیم- تکلیف دولت (حاکمیت) اعلام و تعیین شرایط اضطراری در هر مرحله و سطح است. دولت مکلف است روابط اجتماعی جامعه را متناسب با شرایط بحران تعیین و ضمانت اجرای کافی برای تخلف از تصمیمات را در نظر بگیرد و اینکه رویه موجود به نظر ارجحیت فعالیتهای اقتصادی بر سلامت عمومی است (فیض آبادی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۱).

7- نتیجه گیری

1- در راستای تبیین مسئولیت اشخاص، ابتدا اصل مسئولیت اشخاص در برابر آسیبهای وارده ناشی از انتقال بیماری بررسی شد. بررسی اصل مسئولیت اشخاص از این باب است که مبانی فقهی انتقال بیماری های اپیدمی منطبق بر یکی از مبانی خواهد بود. از این رو فقهای امامیه بر اساس مبانی ذیل درباره مسئولیت کسی که دیگری را به بیماری (مانند کرونا) آلوده می کند اظهار نظر کرده اند. بر اساس فقه امامیه، اصل مسئولیت افراد در آسیبهای وارده به سایرین از سه مبنا سرچشمه می گیرد:

الف- عدم جواز عمل: هر گاه منشاء عمل زیانبار، عمل غیرمجاز و نامشروعی باشد ضمان مطلقاً ثابت است.

ب- تعدی یا کوتاهی

پ- انتساب: طبق این مبنا هر گاه صدمه و تلف به شخصی منتسب باشد ضمان ثابت خواهد بود و هر گاه انتساب وجود نداشته باشد ضمان منتفی است.

2- پیرامون مبانی فقهی مسئولیت اشخاص در برابر انتقال بیماری می توان از قواعد متعدد و متنوعی بهره گرفت که عبارتند از: قاعده وظیفه محافظت از نفس دیگری، قاعده حرمت همکاری بر پلیدی و تعدی، قاعده منع اضرار به دیگری، قاعده دفع ضرر محتمل.

3- برای تعیین خسارت در مواردی که فرد با انتقال یک بیماری، موجب خسارت به دیگری شده است، حالت های گوناگون انتقال قابل تصور است: در انتقال عمدی بیماری کشنده و فوت فرد مبتلا شده، عامل سزاوار قصاص نفس است و در موارد انتقال عمدی بیماری غیرکشنده و با نبود قصد قتل، عمل شبه عمد بوده و نیز در صورت انتقال بیماری از روی جهل و در فرایند یک عمل ناخواسته، عمل انجام شده خطای محض در نظر گرفته میشود.

منابع

-قرآن کریم

-احسانی فر، احمد، ۱۳۹۹، ابعاد فقهی و حقوقی بیماریهای واگیر خطرناک و سریع الانتشار از منظر قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، حقوق اسلامی، شماره ۶۴

- بجنوردی، سید حسن ، ۱۴۱۹، القواعد الفقهیه ، چاپ اول، قم، نشر الهادی.

-حاجی ده آبادی، احمد، ۱۳۹۳، بررسی فقهی جنایات ارتكابی توسط صغیر با تاکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، شماره ۶۶.

-خیمینی، سیدروح الله، بی تا، تحریر الوسیله، چاپ اول، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم.

- خویی، سیدابوالقاسم، ۱۴۲۲، مبانی تکمله المنهاج، چاپ اول، قم، موسسه احیاء آثار امام خوئی.

-رشتی، میرزاحبیب الله، بی تا، کتاب الغصب، نرم افزار فقه اهل بیت علیهم السلام.

-روشن، محمد، صادقی، محمد، ۱۳۹۰، ضمان ناشی از انتقال بیماری جنسی، فصلنامه فقه پزشکی، شماره ۰

- سلطانی، عباسعلی، کراچیان ثانی، فاطمه، 1392، اثبات فقهی و حقوقی قاعده لزوم حفظ نفس در اسلام، پژوهش‌های فقهی، شماره 3.
- شاملو، باقر، 1399، بازخوانی سیاست جنایی پیشگیرانه در پرتو پاندمی کووید 19 و تئوری آشوب، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره 90.
- شریفی، محسن، 1399، مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ویروس کرونا در نظام کیفری ایران (باتاکید بر مخاطره جانی اشخاص)، آموزه های حقوق کیفری، شماره 19.
- صادقی، محمدهادی، 1394، جرایم علیه اشخاص، چاپ 21، تهران، میزان.
- طوسی، محمد بن حسن؛ (شیخ طوسی)، 1407، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، 1410، الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه (المحشی - للکلانتر)، چاپ اول، قم، کتابفروشی دآوری.
- علیدوست، ابوالقاسم؛ بای؛ حسینعلی، 1391، معیار ضمان، فقه اهل بیت شماره 70-71.
- علی محمدی، جورکویه، 1399، مسئولیت ناشی از انتقال بیماری واگیر و ویروس، مجله حقوق اسلامی، شماره 64.
- فیض آبادی، الهام، 1399، بررسی مسئولیت افراد و دولت در قبال خسارتهای ویروس کرونا، فصلنامه رهیافتهای نوین در مطالعات اسلامی، شماره 4.
- کاتوزیان، ناصر، 1389، حقوق مدنی، الزامات خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار
- کاشانی، حاج آقا رضا مدنی، 1408، کتاب الدیات، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کعبی، عباس، بررسی ابعاد فقهی بیانات رهبر معظم انقلاب درباره حفظ سلامت خود و دیگران، موجود در سایت:
- <https://iqna.ir/fa/news/3884304>
- کلینی، محمد بن یعقوب، 1407، کافی، صححه و علق علیه علی اکبر الغفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مبلغی، احمد، فقه مقابله با ویروس کرونا، موجود در سایت:
- معین، محمد، 1360، فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر
- میرمحمدصادقی، حسین، 1395، جرائم علیه اشخاص، تهران، میزان.
- میر صالحیان اکبر، دالوند، مصیب، 1397، تاریخچه بیماری های عفونی باکتریایی شایع در ایران، مجله میکروب شناسی پزشکی ایران، شماره 2.
- نجفی، محمدحسن، 1404، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- هادی، مهدی، 1398، کرونا ویروس جدید، چاپ اول، تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- هونگ، جانگ ون، 1398، دستورالعمل عمومی پیشگیری از ابتلا به ویروس کووید 19 (ویروس کرونا جدید)، ترجمه امین بذرافشان و همکاران، شانگهای، انتشارات علم و فناوری شانگهای.
- یزدانیان، علیرضا، ثقفی، مریم، 1393، مسئولیت مدنی بیماران مبتلا به بیماری های واگیردار، آموزه های فقه مدنی، شماره 10.